



با وقوع تحولات جاری خاورمیانه رخ می‌دهد:

آینده بازار نفت تحت تأثیر عوامل فرا ساختاری

که بحران لیبی و احتمال کاهش و یا قطع تولید و عرضه نفت لیبی موضوعی است جدی که از مرز دغدغه‌های سیاسی و روانی فراتر می‌رود. به همین دلیل وقتی موج تظاهرات به لیبی کشیده شد، قیمت جهانی نفت از مرز ۱۰۰ دلار در بشکه که بازار نفت معمولاً برای گذار از آن محتاط و حساس است، عبور کرده، اما اینکه در این سطح و یا حتی سطوحی خیلی بالاتر از ۱۰۰ دلار در بشکه باقی خواهد ماند، منبعث از چگونگی ادامه شرایط خواهد بود و دشوار است تا پیشاپیش اظهار نظر کرد. لیکن لازم به توضیح است که در هفته اول دسامبر ۲۰۱۰ قیمت نفت پس از طی یک دوره افزایش در سطح ۸۳-۸۲ دلار در بشکه توقف کرد و ساختارهای بازار دلالت از تأیید بازار جهانی نفت و سازمان اوپک از سطح مزبور به عنوان قیمت بالنسبه متعادل و مورد قبول بازیگران اصلی داشت. در کوتاه مدت انتظار وقوع تحولات مهم تازه ای در لیبی نمی‌رود.

■ به تحولات ساختاری بازار نفت اشاره شد، آیا می‌توانید موضوع را بیشتر باز کنید. این تحولات چه هستند و چگونه بازار نفت را تحت تأثیر قرار می‌دهند؟
به طوری که اشاره شد، ساختارهای بازار شامل تقاضا و عرضه هستند که قیمت معینی را تعریف می‌کنند. حال در طرف تقاضا تغییر و تحولات مهمی در طول یک دهه اخیر به‌وقوع پیوسته است. کانون اصلی تقاضا و مصرف به تدریج از آمریکا و اتحادیه اروپا به سمت آسیا و به ویژه چین، هند و کشورهای تازه صنعتی شده در آسیای جنوب شرقی منتقل شده، آن طور که در حال حاضر رشد تقاضا در چین و کشورهای مورد اشاره موتور اصلی تقاضای جهانی به شمار می‌آید. در همین حال کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت منجمله اعضاء اوپک به مصرف‌کنندگان مهم نفت (وگاز) خویش تبدیل شده و ضمن بالا بردن ارقام تقاضا، بخشی از عرضه جهانی نفت را هم در اختیار خود گرفته‌اند. در همین حال فن‌آوری‌های نوین صرفه‌جویی‌کننده در مصرف انرژی‌های فسیلی، قابلیت و ظرفیت‌های خود را برای صرفه‌جویی بیشتر در مصرف انرژی را تا حدی از دست داده‌اند. به طوری که طی ۱۰ سال اخیر میزان شدت انرژی در کشورهای صنعتی کم و بیش در حدود ۶ دهم درصد باقی‌مانده و کاهش عمده‌ای در نرخ شدت انرژی مشاهده نشده است. در طرف عرضه هم تغییرات مهمی مشاهده می‌شود. علی‌رغم اکتشافات نسبتاً مهمی که در جهان و منجمله در جمهوری اسلامی ایران شاهد آن بوده‌ایم، اما عرضه نفت‌خام رشد چشمگیری را نشان نمی‌دهد. کشورهای غیر عضو اوپک مهم مانند مکزیک، نروژ و روسیه نشانه‌هایی از رشد عرضه بروز نمی‌دهند، بلکه روند رو به کاهش عرضه را بشارت می‌دهند. سازمان اوپک که تولیدکننده و عرضه‌کننده جهانی نزدیک به ۳۰ میلیون بشکه نفت‌خام در روز است، ظرفیت مازاد اندکی را دارد و قادر به افزایش قابل ملاحظه در پنج سال آتی را ندارد. سیاست‌های تحریم ناپدرانه آمریکا بر

وقوع تحولات سیاسی در کشورهای خاورمیانه که هم‌اکنون در کشورهای عربی در حال دنبال شدن است و رسیدن نفت برنت به بیش از ۱۲۰ دلار و نفت وست‌تگزاس آمریکا به بیش از ۱۱۰ دلار در فرودین ماه سال جاری نشان از انتظار تحولات بیشتر در عرصه بازار نفت جهان است. در این میان اگرچه ممکن است ظرفیت‌های بعضی از این کشورها دستخوش تغییراتی شود اما باید دید چگونه عوامل ساختاری و فرا ساختاری اثرات خود را در آینده در روند قیمت نفت نشان می‌دهد. برای بررسی این موضوع گفت‌وگوی کوتاهی با دکتر فریدون برکشلی کارشناس ارشد انرژی و عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی ترتیب دادیم و با طرح سؤالات ماهنامه نظارت ایشان را جویا شدیم که در ادامه به نظر شما خواهد رسید:

■ با تشکر از شما برای اختصاص وقت برای پاسخ به سؤالات ماهنامه، به نظر می‌رسد تحولات سیاسی کشورهای عرب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، تأثیرات مهمی بر بازار جهانی نفت گزاردده و طی ماههای گذشته قیمت نفت‌خام برنت در سطح فراتر از ۱۰۰ دلار در بشکه باقی مانده است. بنظر جنابعالی آیا این روند بازار نفت ادامه خواهد یافت و دامنه تأثیرات وقایع خاورمیانه بر بازار نفت چگونه خواهد بود؟

تحولات سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا از ماه دسامبر ۲۰۱۰ و از تونس آغاز شد که تحت تأثیر آن قیمت جهانی نفت با ۳ دلار افزایش از ۸۶ دلار به ۸۹ دلار در بشکه رسید. وقتی که التهابات به مصر رسید و دامنه پیدا کرد قیمت جهانی نفت ابتداء یک پرش ۵ دلاری کرد ولی سپس با ۳ دلار تدریجی دیگر تا مرز ۹۲ دلار در بشکه افزایش یافت. البته متعاقباً گسترش بحران به یمن و بحرین هم تأثیرات کم دامنه‌ای بر بازار نفت بر جای گذارد، ولی در اواسط ژانویه بهای جهانی نفت در آستانه ۱۰۰ دلار کم‌وبیش تثبیت شد.

اما موقعی که بحران به لیبی رسید و تداوم پیدا کرد، شرایط تغییر کرد. لیبی یک کشور تولیدکننده عضو اوپک است که با ۴۴ میلیارد بشکه ذخایر نفت اثبات شده ۲ درصد ذخایر نفت جهان را در اختیار دارد. سومین تولیدکننده عمده در آفریقا است و مقام پانزدهم تولید جهانی را داراست. لیبی یک چهارم نفت وارداتی ایتالیا را تأمین می‌کند. لیبی روزانه ۱/۶ میلیون بشکه تولید دارد و با توجه به مصرف داخلی پایین، صادرات بالنسبه بالایی دارد. البته بحرین هم یک کشور تولیدکننده نفت محسوب می‌شود ولی مقام چهل‌ویکم جهان را در تولید در اختیار دارد. بنابراین بدیهی است

تولید و معامله می‌شده ارزش تجارت جهانی نفت بالغ بر ۱/۷ تریلیون دلار می‌شود. هیچ کالایی در جهان دارای چنین پتانسیل معاملاتی نیست. بدیهی است که در چنین چارچوبی هرگونه بحران مالی در ابعاد عظیمی که اتفاق افتاد، تأثیرات مهمی بر بازار و صنعت جهانی نفت بر جای می‌گذارد. برای سال‌ها، استحکام و ثبات اقتصادی جهان بر سه پایه سرمایه، نقدینگی و اعتماد استوار بوده است. حال این سه ستون به لرزش افتاده و ثبات اقتصاد جهان و به طبع آن بازار نفت را تحت تأثیر قرار داده است. بازگشت سه پایه این اقتصاد به شرایط قبل از بحران سال‌ها به طول خواهد انجامید. بحران مالی حجم سرمایه آماده سرمایه‌گذاری در جهان را کاهش داده و سرمایه‌گذاران ناچارند با نهایت احتیاط و با توجه به اطمینان از نرخ بازگشت سود سرمایه در مدت مورد نظر اقدام به عملیات مالی نمایند. همین امر موجب شده تا علی‌رغم اینکه قیمت جهانی نفت اکنون برای سه سال پیاپی در ارقام بالای ۶۰ دلار در بشکه قرار داشته است، رغبت به سرمایه‌گذاری در صنعت نفت شامل بالادستی و پایین‌دستی هنوز اندک است. این روند بر آینده عرضه جهانی نفت تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر جای خواهد گذارد و لازم است که کارشناسان ما بر روی آن مطالعات ریشه‌ای انجام دهند. بحران مالی، بازار نفت را به شدت تحت تأثیر قرار داده و نسبت به فعل و انفعالات پولی-مالی بسیار بیش از گذشته حساس ساخته است. برخی از تصمیمات بانک‌های مرکزی کشورهای جهان مانند فدرال رزرو یا بانک مرکزی اتحادیه اروپا می‌تواند تأثیرات غیرقابل پیش‌بینی بر بازار نفت برجای گذارد. با کاهش نقش دلار در معاملات جهانی نفت و تنزل موقعیت آمریکا در سیاست‌گذاری‌های بازار، سازمان اوپک و بازار جهانی در شرایط بهتری برای طراحی و اتخاذ استراتژی‌های بلندمدت در صنعت نفت قرار گرفته است. در حقیقت بازار جهانی نفت با تهدیدها و فرصت‌های متعددی روبه‌روست که پیش‌بینی قیمت نفت را دشوار می‌سازد. طی سال جاری مسیحی وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران ریاست اجلاس وزرای نفت اوپک را عهده‌دار می‌باشد. شرایط جهانی حکایت از خلاء رهبری و هدایت بازار نفت را دارد، لیکن موقعیتی استثنائی حساسی برای ایران است که نقش مهمی و مؤثری باید بازار جهانی نفت ایفاء کند.

■ حال مجدداً به تأثیر شرایط کنونی خاورمیانه عربی و شمال آفریقا و تأثیر آن بر بازار نفت بر می‌گردیم. چنانچه شرایطی فراهم آید که بحران فروکش کند و یا تحت کنترل در آید، بازار نفت چه واکنشی خواهد داشت. آیا قیمت به سطح هفته اول دسامبر سال قبل باز خواهد گشت؟

شرایط خاورمیانه بی‌ثبات است. ناآرامی‌ها در لیبی محصور نخواهد ماند و زمینه تسری گسترده و جدی آن به کشورهای دیگر منطقه و حتی عربستان وجود دارد. کشورهای صنعتی سرباز در حال افزایش ظرفیت ذخایر تجاری و استراتژیک نفتی خود هستند و زیرا که از وقوع یک انفجار بزرگ نفتی در خاورمیانه در هر اسناد، در خاورمیانه کینه دیرینه‌ای ما بین کشورهای دارنده ذخایر نفتی و کشورهای فاقد ذخایر نفتی وجود داشته است. کشورهایی که منابع نفتی ندارند، معتقدند که نفت یک ثروت عربی است و باید درآمد حاصل از آن به صورت سرانه مابین همه کشورهای عرب خاورمیانه تقسیم شود. این ایده‌ای است که کشورهای عرب دارای ذخایر نفت مخالف آنند. در همین حال در پشت صحنه ناآرامی‌های خاورمیانه، جنگ واقعی نفت مابین آمریکا، چین و اتحادیه اروپا در جریان است. آمریکا تلاش دارد تا موقعیت خود را به عنوان زاندارم نفتی جهان در منطقه خاورمیانه اعمال کند. چین نگران آینده مصرف سیری ناپذیر انرژی خود است و اتحادیه اروپا که اعتماد خود از روسیه را به عنوان یک تأمین‌کننده قابل اتکاء انرژی از دست داده، مایل است برای خود در خاورمیانه جای‌پایی پیدا کند. از همین روی اوضاع و شرایط خاورمیانه با دخالت کشورهای برون منطقه‌ای پیچیده‌تر شده است. شرایط کنونی خاورمیانه فرصت‌ها و چالش‌های مهمی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است. نقش و نحوه تأثیرگذاری ایران در نظم نوینی که در خاورمیانه در حال شکل‌گیری است، استراتژی کشور در طول دهه‌های آینده را رقم خواهد زد. صنعت و تجارت جهانی نفت دارای ماهیتی ثبات‌طلب است. لذا بی‌ثباتی در منطقه طولانی نخواهد بود. آنچه برای جمهوری اسلامی ایران مهم و حیاتی است، فقط روند قیمت نفت در بازار جهانی نیست، بلکه موقعیتی است که کشور در منطقه برای خود تثبیت خواهد نمود.

ضد کشورهای مهم صاحب ذخایر نفتی در طول سه دهه گذشته، جهان را از ایجاد ظرفیت محروم ساخته است. در طول سه دهه اخیر کشورهای تولیدکننده بزرگی مانند عراق، نیجریه، ونزوئلا، آنگولا، نیجریه و ایران که جمعاً حدود ۵۰ درصد از ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارند به تناوب بر اساس سیاست‌های یکجانبه آمریکا و یا اعمال تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل با تحریک و هدایت آمریکا، امکان ظرفیت‌سازی خویش را محدود کرده‌اند. این امر ضربه مهمی به صنعت جهانی نفت در طرف عرضه است. در واقع دولت آمریکا مسئولیت بزرگی در ایجاد بحران انرژی در جهان دارد و کشورهای می‌توانند آن دولت را به خاطر اعمال سیاست‌های محدود عرضه و ظرفیت‌گستری در بخش نفت (و گاز)، به طور جدی مسئول و قابل پاسخگویی بدانند. در هر حال، منظور این است که پتانسیل ظرفیت‌سازی موجود بوده و هست ولی سرمایه‌گذاری متناسب و همسو با رشد تقاضا در بخش عرضه صورت نگرفته و در نتیجه ساختارهای بازار جهانی نفت آسیب‌پذیر و شکننده شده است.

■ در ابتداء به عوامل فراساختاری در بازار جهانی نفت اشاره کردید، منظور از این عوامل چیست؟

به طوری که اشاره شد، قیمت بازار جهانی نفت منبعث از عملکرد تقاضا و عرضه است. لیکن این عملکرد قطعاً در بستر شرایطی تحقق پیدا می‌کند که تأثیر آنها را در شرایط مختلف را متفاوت می‌سازد. به طور مثال ظهور بازارهای کاغذی و بازار مشتقات یک عامل مهم مؤثر در بازار جهانی نفت است. در گذشته و در شرایط سنتی بازار، نفت خام معامله می‌شد. نفت خام فقط در پالایشگاه مصرف می‌شود. بنابر این خریداران پالایشگاه‌ها و یا معامله‌گرانی بودند که به نیابت از پالایشگاه‌ها نفت خام را از تولیدکنندگان می‌خریدند و بدیهی است که تعداد آنان هم خیلی زیاد نبود. اما امروزه هزاران معامله‌گر، بدون اطلاع از صنعت نفت، به قصد سودهای آبی نفت خام را خرید و فروش می‌کنند. حجم معاملات کاغذی در بازارهای جهانی تا ۲۵ برابر یا بیشتر از ۸۸-۸۷ میلیون بشکه نفت خامی است که به طور فیزیکی و واقعی تولید و حمل و نقل می‌شود. معامله‌گران در مسیر فعالیت تجاری خود کاری به ساختار بازار یا مباحثی مانند امنیت عرضه انرژی یا بحران انرژی ندارند، ولی در نهایت بازیگران اصلی در هر دو سوی بازار از عملکرد آنان متأثر می‌شوند. مباحث دیگری مانند نرخ برابری ارزش دلار و نوسانات ارزها که منبعث از سیاست‌های پولی و ارزی دولت‌ها است هم بر ساختارها تأثیر می‌گذارند. مسائل و سیاست‌های زیست‌محیطی و کنوانسیون‌های آب و هوا و تصمیمات آنها هم از جمله عواملی هستند که طی دهه اخیر به طور محسوس فراتر از ساختارهای سنتی بر روی بازار جهانی نفت تأثیر گذارند. از دیگر عوامل تأثیر گذارنده بر بازار نفت در جهان، وضعیت مهم گاز است. برخی از کشورها به ویژه قطر در طول سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری‌های عظیمی بر روی منابع گاز خود انجام داده‌اند و ظرفیت‌سازی بالایی انجام داده‌اند. در حال حاضر قطر ظرفیت ال.ان.جی خود را تا ۷۷ میلیون تن بالا برده است. این رقم بسیار فراتر از تقاضای جهانی است. احتمالاً ظرفیت بالای قطر تا ۱۰ سال آینده هم جذب بازار نخواهد شد. بر اساس آمار قیمت جهانی ال.ان.جی در ۳-۲ سال اخیر تا یک چهارم سقوط کرده است. همین سیاست‌گازی ناستجیده و شتاب‌زده قطر، بازار نفت را هم تا حدی متأثر ساخته است. در این میان و در بستر این گونه تغییر و تحولات که جلوتر به برخی از آنها اشاره شد، شرایط ژئوپلیتیکی نفت (و گاز) هم سخت متغیر شده است. خاورمیانه یعنی منطقه‌ای که حدود سه چهارم از ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارد و امید اصلی بازار به هرگونه ظرفیت‌سازی تازه در صنعت جهانی نفت به شمار می‌آید، آسیب‌پذیرترین دوران خود را پشت سر می‌گذارد. وقایعی که در خاورمیانه عربی در جریان است جدای از تأثیرات کوتاه‌مدت بر بازار که در افزایش چنددلاری قیمت نفت متبلور است، آینده بازار نفت را سخت پیچیده می‌سازد و به عبارتی نقش و تأثیر عوامل و عناصر فرابازاری یا فراساختاری را افزایش می‌دهد.

■ به نظر شما بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ آمریکا که اکنون به بیشتر کشورهای جهان سرایت کرده چگونه تأثیری بر صنعت نفت جهان بر جای گذارده یا خواهد گذارد؟

در سطح قیمت‌های جهانی نفت (۸۴ دلار در بشکه در سال ۲۰۱۰) و حجم نفتی که